

مسئله غذا و مواد غذایی در جهان یکی از مسایلی است که باید از نزدیک مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. براساس برآوردهای موجود، بیش از یک میلیارد نفر در کشورهای جهان سوم از سوء تغذیه رنج می‌برند و از این تعداد، در حدود ۵۰۰ میلیون نفر به‌طور دائم در کرسنگی به‌سر می‌برند.

این موقعیت، اکثر کشورهای جهان سوم را به نحوی مورد تأثیر قرار داده است. سخت‌ترین شرایط در جنوب آسیا و صحرای افریقا وجود دارد که از کمبود تولیدات کشاورزی به شدت تحت فشارند. با توجه به رشد جمعیت، این مناطق از کمبود غلات به‌شدت رنج می‌برند که برآورد می‌شود براساس قیمت‌های سال ۱۹۷۵، میزان کمبود غلات برای این مناطق در سال ۲۰۰۰/ میلادی به حدود ۲۴ میلیارد دلار برسد.

مسئله سوء تغذیه از جمله مسایلی است که بعد از جنگ جهانی دوم و به همراه شروع استعمار جدید (نئوکولنیالیسم) نمود پیدا کرده است. نمود این مسئله، نه فقط تفاوت بین تولید و مصرف را در جهان می‌رساند، بلکه بیش‌تر و در مجموع، نمایانگر نابرابری در توزیع امکانات در سطح جهان است. برای مثال در مورد مسئله مذکور و کمبود غلات در کشورهای جهان سوم، می‌توان گفت در حالی که برآوردها نشان‌دهنده کمبودی معادل ۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰/ برای تأمین غلات کشورهای جهان سوم است، در همین زمان، کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری از مازادی معادل ۳۲ میلیارد دلار برخوردارند.<sup>(۱)</sup> قطعاً مشکلات جهان سوم در زمینه کمبود مواد غذایی نظیر غلات یکسان نیست. اما از سه ویژگی کلی در ارتباط با این مسئله می‌توان یاد کرد که کشورهای جهان سوم کمابیش با آن دست‌بگیر بیابند:

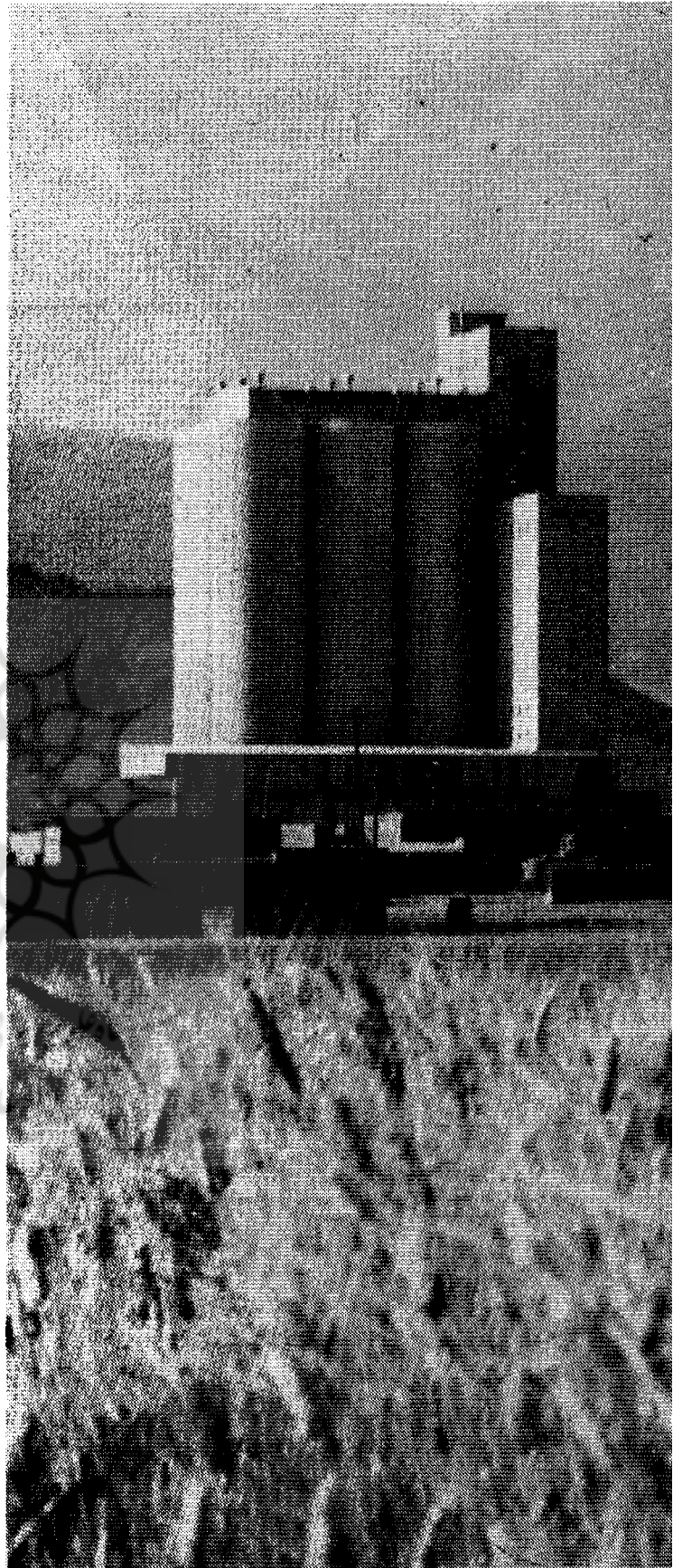
(۱) شرایط اقلیمی:

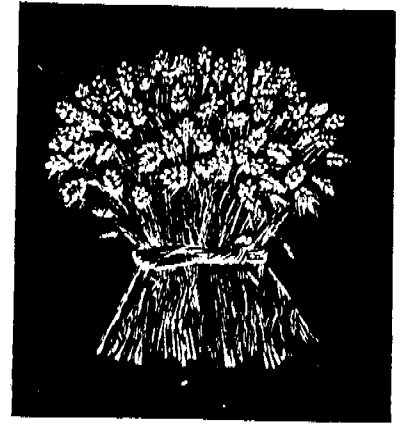
شرایط اقلیمی در جهان سوم موجب مشکلات و تنگناهای گوناگونی در امر تولید کشاورزی به‌ویژه غلات شده است. در حالی که غلات خوراک اصلی و عمده مردم جهان سوم را تشکیل می‌دهد و یکی از مواد تأمین پروتئین هم محسوب می‌شود، حدود ۳۵ درصد کل اراضی شامل کویرها، سوره‌زارها، اراضی شنی و بایر است و قسمت اعظم این اراضی در بسیاری از ممالک جهان سوم که روبه‌هم‌رفته ۱۴۱ کشور هستند، متمرکز شده است. در حقیقت این کشورها کم‌تر با شرایط اقلیمی متعادل و مناسب کشاورزی مواجه هستند.<sup>(۲)</sup>

# غلات و جهان سوم

نی و مطالعات فرهنگی  
موم انسانی

تهیه کننده: وحید هوشین





۲) دلایل سیاسی و تاریخی با سوابق تاریخی و وابستگی و درجه اتکاء سیاسی و اقتصادی برخی کشورهای جهان سوم به قدرت‌ها و کشورهای بیگانه، خصوصاً وابستگی‌های سیاسی و سرسپردگی بسیاری از رژیم‌های سیاسی این کشورها به قدرت‌ها، از جمله مسائلی است که در این بحران‌ها نقش دارد.

۳) مشکلات اقتصادی و جمعیتی که عموماً بسیاری از کشورهای جهان سوم با آن روبه‌رویند عبارتند از: عدم اشتغال کامل، رشد نامناسب توزیع درآمد، سطح پایین کارایی تولید، عدم موازنه بین رشد و گسترش بین مناطق شهری و روستایی، نامناسب بودن سیستم‌های بهداشتی و آموزشی، کافی نبودن و افزایش اتکاء به تکنولوژی نامناسب و ضعف تخصصی در اغلب بخش‌ها و رسد بالای جمعیت، از جمله دلایل و مسایل مختلف کشورهای جهان سوم به‌طور عام و در زمینه کشاورزی و تهیه مواد غذایی به‌طور خاص است. البته استیکار جهانی تلاش می‌کند جمعیت زیاد بعضی از کشورهای جهان سوم را تنها عامل عقب‌ماندگی آنان ذکر کند، اما در حقیقت هیچ‌گونه رابطه مستقیم بین عقب افتادگی و جمعیت زیاد دیده نمی‌شود و باید در جستجوی عوامل دیگر و برطرف کردن آنها بود.<sup>(۳)</sup> آنچه در این میان با دخالت مجموعه عوامل اقلیمی، اقتصادی، تاریخی و خصوصاً سیاسی روشن می‌شود، وضع نابسامان مواد غذایی در جهان سوم است.

۴) وضعیت کشاورزی غلیزغم فراوانی مواد تولیدی بسیار بحرانی است و عمدتاً ناشی از اعمال سیاست‌های قدرت‌های استیکاری است. در این ماجرا، فقیرترین کشورهای جهان سوم بیش‌ترین ضربه را خورده و می‌خورند.<sup>(۵)</sup> بنابراین، یکی از مسایل قابل توجه این است که غذا به اندازه کافی در جهان تولید می‌شود، ولی با وجود این مردمی هستند که در گرسنگی دایمی به‌سر می‌برند و مردم دیگری که از گرسنگی

و غول‌های بازرگانی با انحصار، خرید و فروش، صادرات و واردات، غلات را به‌عنوان حربه‌ای سیاسی علیه کشورهای نیازمند مورد استفاده قرار می‌دهند.

قدرت‌های استعماری و در رأس آنها آمریکا، برای در اختیار داشتن بازار کشاورزی سایر کشورها و در نتیجه، تحمیل نظرات سیاسی خود در چهارچوب رقابت‌های اقتصادی، سعی در انحصار گرفتن تولید کشاورزی کشورها دارند. این امر حتی بین کشورهای دوست آمریکا نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال زاین سعی دارد برنج تولیدی خود را افزایش داده، احتیاج مردم را به برنج خارجی برطرف سازد. هزینه تولید در برنج در این کشور، تقریباً چهاربرابر قیمت برنج صادراتی امریکاست و کیفیت برنج مرغوب امریکایی را نیز ندارد، اما مردم زاین معتقدند که مسئله تولید برنج برای آنان مسئله مرگ و زندگی است و نباید فریب ارزانی و مرغوبیت برنج امریکایی را بخورند و به همین دلیل، محدودیت شدیدی بر واردات برنج در این کشور اعمال می‌شود و حتی یک نفر خارجی اگر بیش از ۲ کیلو برنج با خود حمل کند، ممکن است مورد سؤال و بازداشت قرار گیرد. ولی امریکایی‌ها می‌گویند زاین باید بازار خود را بر روی برنج امریکایی باز کند و در عوض، بازار کشورهای فقیر را در زمینه محصولات و فرآورده‌های دیگر به‌دست گیرد. و

می‌میرند. روشن است که افزایش تولید یکی از مسایل ضروری است که هرکسی با آن موافق است، ولی راه حل آن فقط در بعد حل مسایل فنی و تحقیقات علمی در زمینه تولید بیش‌تر و یا اختصاص زمین‌های جدید جهت کشت نیست، بلکه حل این مسئله به اصطلاح به بافت اقتصاد بین‌المللی در جهت توزیع عادلانه غذا- چه در بین طبقات مختلف اجتماعی و چه در سطوح بین‌المللی آن- باز می‌گردد. در نتیجه، با توجه به مسایل مذکور باید گفت علت وضع ناگوار گرسنگی در جهان، در جای دیگری نهفته است و گرسنگی پدیده‌ای است که به فقر و نابرابری موجود در جهان و در داخل کشورها وابسته است.

### ۱- اهمیت سیاسی، اقتصادی غلات در جهان امروز

غلات تنها منبعی است که در تمدن جدید همانند نفت دارای نقش اساسی است. غلات نیز مانند نفت، برای تمامی انسان‌ها دارای اهمیت تاریخی، سیاسی و بین‌المللی غیرقابل تردید است.<sup>(۶)</sup> کشت و بازرگانی<sup>(۷)</sup> غلات سابقه‌ای بس طولانی دارد.<sup>(۸)</sup> برای طول عمر تک‌تک غلات، تاریخ کاملاً صحیح و روشنی در دست نیست. ولی آنچه مسلم است، در قدیم‌الایام این گیاهان را به‌صورت وحشی کشت می‌کرده‌اند. برای گندم و

● قدرت‌های استعماری و در رأس آنها آمریکا، برای در اختیار داشتن بازار کشاورزی سایر کشورها و در نتیجه تحمیل نظرات سیاسی خود در چهارچوب رقابت‌های اقتصادی، سعی در انحصار گرفتن تولید کشاورزی کشورها دارند.

● طبق آمار، در حالی که کمبودی معادل ۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ برای تأمین غلات کشورهای جهان سوم موجود است، کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری از مازادی معادل ۳۲ میلیارد دلار برخوردارند.

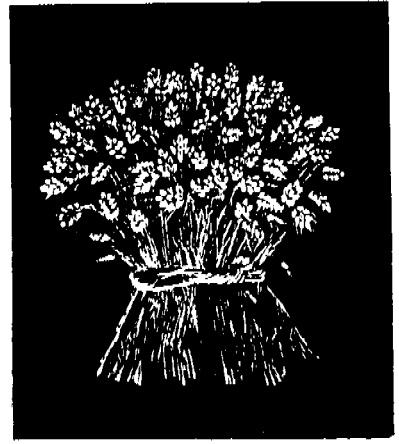
این نمونه استدلال قدرت‌ها در مورد رقابت اقتصادی است.

ذکر اخباری که از رسانه‌های غربی منتشر شده است نیز می‌تواند بیانگر ابعاد سیاسی غلات باشد. برای نمونه اینترنشنال<sup>(۹)</sup> هرالدتریبیون در ۲۶ دسامبر ۱۹۸۰ پیش‌بینی یکی از مقامات امریکا را چنین منتشر کرد: «من معتقدم که سلاح غذا امروزه نیرومندترین سلاحی است که ما در اختیار داریم و ظرف بیست سال آینده نیز چنین خواهد بود. مادامی که دیگر کشورها در

جو به‌طور متوسط حدود ۱۰۰۰۰ سال عمر تصور می‌شود. غلات یکی از بزرگ‌ترین محصولات برای تغذیه و خوراک انسان و دام در اکثر نقاط دنیا به‌شمار می‌رود.

گندم، جو، برنج و ذرت از مهم‌ترین اقلام غلات به‌شمار می‌روند. با افزایش جمعیت دنیا، اهمیت این محصولات چندبرابر شده است. البته اهمیت مسئله هنگامی بیش‌تر افزایش یافت که تولید و بازرگانی غلات، شکل سیاسی و بین‌المللی به‌خود گرفت. از آن هنگام که قدرت‌ها





احتیاجات غذایی خود وابسته به آمریکا هستند، در خلق مشکلات برای ما درنگ خواهند کرد.»  
مقامات بنتاگون می گویند: «تولیدات غذایی را می توان به جای سلاح به کار برد، ما باید این سلاح را مورد توجه قرار داده در اندیشه راههایی باشیم که با درنظر گرفتن موقعیت موجود در کشورهای فقیر، چگونه از آن استفاده کنیم.»

## ۲- صادرکنندگان و واردکنندگان عمده غلات جهان

در این قسمت ابتدا به بررسی وضع صادرکنندگان و تولیدکنندگان غلات و سهم شرکت های چندملیتی در صدور غلات و سپس به معرفی واردکنندگان غلات می پردازیم.

### ۲-۱- صادرکنندگان غلات عمده جهان:

۲-۱-۱- سهم کشورها در تولید و صدور غلات  
۲-۱-۲- نقش کارتل ها و شرکت های چند ملیتی غلات در صادرات عمده غلات.  
۲-۱-۳- سهم کشورها در تولید و صادرات غلات.

کشورهای صادرکننده غلات عمدتاً دو بخش اند. در بخش نخست، برخی کشورهای توسعه یافته و در بخش بعدی، چند کشور جهان سوم قرار دارند. تولیدکنندگان عمده غلات جزو کشورهایی اند که خود بزرگترین صادرکننده غلات نیز به شمار می روند.<sup>(۱۱)</sup> هم اکنون پنج کشور صادرکننده غلات، هشتاد درصد از فروش جهانی را در دست دارند. بقیه صادرات به وسیله کشورهای تأمین می شود که مقدار فروش هر یک از آنها از یک درصد رقم کل صادرات نیز تجاوز نمی کند. این کشورها به ترتیب میزان صادرات عبارتند از: آمریکا، کانادا، آرژانتین، فرانسه، استرالیا.

وقتی سخن از تولید و صادرات غلات کشورها به میان می آید، این بدان معنا نیست که این کشورها در انتخاب نوع تولید و صادرات به صورت مستقل عمل می کنند، بلکه بایستی به نقش مهم شرکت ها و کارتل های غلات کاملاً توجه شود و الزاماً منافعی که از طریق صادرات غلات به دست می آید، تماماً نصیب تولیدکنندگان نمی شود و اکثراً توسط واسطه های فروش جهانی بلعیده می شود.

در (۱۲) ۱۹۷۵ وزارت کشاورزی امریکا گزارش داد که صادرات غلات امریکا در زیر سلطه پنج شرکت بزرگ غلات است. زیرا ۸۵ درصد از کل صادرات این رشته، به وسیله آنان انجام می شود.

کشاورزی کشورهای جهان سومی که مبادرت به صادرات غلات می کنند، دارای دو ویژگی اساسی است و عمدتاً این کشورها در راستای تقسیم کار جهانی و بنا به نیاز و تحت سلطه شرکت های چندملیتی، مبادرت به تولید و صادرات غلات می کنند. کشاورزی کشورهای جهان سوم را به دو بخش کاملاً بیگانه تقسیم کرده اند:<sup>(۱۳)</sup>

۱- بخش کشاورزی صادراتی  
۲- بخش کشاورزی بومی و سنتی  
بخش نخست را که معمولاً بخش کشاورزی نوین یا استعماری نیز گفته اند، منحصر به زمین های مرغوبی می شود که معمولاً محصولات آنان مورد نیاز داخلی نبوده برای مصارف و صنایع غرب به خارج صادر می شود.

بخش دوم (کشاورزی بومی و سنتی) به منظور آذوقه رسانی و رفع نیازمندیهای بخور و نیر داخلی است که پست ترین و کم حاصل ترین زمین های زراعی را به خود اختصاص می دهد.  
وضع صادرات این کشورها (جهان سوم)

نسبت به گذشته در حال رکود است. برای نمونه در (۱۴) ۱۹۷۵ کشورهای توسعه نیافته حدود ۲۲ درصد از کل صادرات کشاورزی جهان را در اختیار داشته اند و این رقم در ۱۹۸۰ به ۳۸ درصد از کل صادرات کشاورزی جهان رسیده است. بنابراین، سهم صادرات کشورهای جهان سوم در ۱۹۸۰ (۱۵) کم تر از سهم آنان در صادرات سال ۱۹۵۰ بوده است.

۲-۱-۲- نقش کارتل های چندملیتی غلات در صادرات عمده غلات

۲-۱-۲-۱- ارتباط شرکت های چندملیتی با کالاهای اساسی.

در سال های اخیر، مطالعات متعددی در مورد مسایل مربوط به شرکت های چند ملیتی و تکنیک های پیچیده و استعماری آنان انجام پذیرفته است. این شرکت ها که سعی بر به اجرا درآوردن برنامه اقتصادی بین المللی خود دارند، در مورد قیمت کالاهای اساسی و اولیه به هیچ وجه بی گناه نیستند. حتی درآمد کم تولیدکنندگان اصلی این شرکت ها نیز نقش مؤثری ایفا می کنند. می توان ادعا کرد که کلیه امور مربوط به بازرگانی بین المللی در مورد کالاهای اساسی و اولیه که به وسیله کشورهای توسعه یافته انجام می گیرد، به نحوی زیر نظر و تحت کنترل شرکت های چند ملیتی است. قدرت تعیین کننده شرکت های چند ملیتی در مورد قیمت ها حسان است که هرگونه اراده کشورهای جهان سوم را تحت کنترل درمی آورد.

موضوع بسیار مهم این است که شرکت های چند ملیتی ۱۸ کالای اساسی صادراتی کشورهای جهان سوم را که حداقل در ۱۸ مورد آن تا ۹۵ درصد صادرات کشورها را تشکیل می دهند، تحت کنترل خود دارند.<sup>(۱۶)</sup> نقش منفی شرکت های چند

● در سال ۱۹۷۵ وزارت کشاورزی امریکا گزارش داد که صادرات غلات آمریکا در زیر سلطه پنج شرکت بزرگ غلات است. زیرا ۸۵ درصد از کل صادرات این رشته به وسیله آنان انجام می شود.

● وقتی سخن از تولید و صادرات غلات کشورها به میان می آید، این بدان معنا نیست که این کشورها در انتخاب نوع تولید و صادرات به صورت مستقل عمل می کنند، بلکه بایستی به نقش مهم شرکت ها و کارتل های غلات کاملاً توجه شود و الزاماً منافعی که از طریق صادرات غلات به دست می آید، تماماً نصیب تولیدکنندگان نمی شود و اکثراً توسط واسطه های فروش جهانی بلعیده می شود.

این شرکت‌ها (پنج شرکت نامبرده) انجام می‌شود.

این شرکت‌ها خود را از لحاظ سیاسی و ایدئولوژی بی‌طرف نشان می‌دهند.<sup>(۲۱)</sup> تکنیک آنها این است که در تولید به صورت مستقیم دست نداشته باشند و صرفاً به عنوان دلالان بین‌المللی عمل می‌کنند. این عمل نیز باعث می‌شود تا در مواقع خشکسالی، شرایط نامناسب جوی، خطر سقوط قیمت‌ها و غیره... از خطر و زیان مصون بمانند و زیان‌ها صرفاً متوجه دولت‌ها و کشاورزان شود.

در میان رقبای شرکت‌های یاد شده شرکت‌های کوچک‌تر امریکایی، ژاپنی، ایتالیایی، فرانسوی، بلژیکی و انگلیسی، هلندی و آلمان غربی، اسپانیایی، تایوانی... نیز وجود دارند. در این<sup>(۲۲)</sup> مورد کافی است یادآور شویم که

به‌خصوص شهرهای انگلیس، آغاز به وارد کردن گندم کردند. از آن هنگام تاکنون، خانواده‌هایی که از شرکت‌ها را به‌وجود آورده‌اند، چهارگوسه جهان را درنوردیده و در پهنه جهان از هیچ تحریرکی فروگذار نکرده‌اند و از جنگ‌ها و قحطی‌ها و مصیبت‌های اقتصادی و انقلاب‌ها سالم بیرون آمده‌اند. این پنج شرکت بزرگ، توزیع و تبدیل غلات را در سراسر گیتی در دست دارند. آنها با سرمایه‌گذاری‌های خود در حمل و نقل دریایی، در ساختن سیلوها، در ارتباطات، در صنایع تبدیل‌کننده در پالایشگاه‌های غلات (که گندم را به آرد یا سویا را به روغن آشپزخانه و خوراک دام و ذرت را به کنجاله تبدیل می‌کنند) فعالیت می‌کنند. آنها بیش‌تر وسایل حمل غلات را از محل تولید تا محل مصرف، در کنترل کامل خود دارند. اغلب صادرات غلات امریکا و بازار مشترک اروپا، آرژانتین و افریقای جنوبی توسط

ملیتی در کشاورزی و تولید مواد غذایی روسن است. این شرکت‌ها با استفاده از بهترین نوع زمین‌ها در برخی از کشورهای و استفاده از الگوی تولید که مناسب با احتیاجات محلی نیست، کنترل انحصاری بر روی مکانیزم بازارهای داخلی و خارجی، از قبیل نهاده‌های اولیه کشاورزی مثل کود، ماشین‌آلات و تجهیزات و غیره، خواهند داشت. این شرکت‌ها به تعدادی از کشورهای جهان سوم وارد شده‌اند و برای شبکه جهانی بازارهای بزرگ در کشورهای جهان سوم شبکه تولید احداث کرده‌اند. این شرکت‌ها از طریق قدرت تکنولوژیکی مالی و تجاری خود برسانه‌های کشورهای توسعه نیافته، سوار شده‌اند. نمونه‌های زیادی از تخریب اجباری محصولات سنتی برای تولید محصولات قابل صدور در سیستم شرکت‌های چندملیتی وجود دارد. کشورهای جهان سوم امروز به‌خاطر اتخاذ این روش واردکننده مواد غذایی شده‌اند که شاید قبلاً تولید و صادر می‌کرده‌اند.<sup>(۱۷)</sup>

۲-۱-۲- کارتل‌ها و شرکت‌های چند ملیتی

غلات

در سده‌های بسری، بازرگانی غلات از دیرباز رواج داشته است. بونانیان قدیم و سپس رومیان، از مستعمرات خود گندم وارد می‌کردند. بازرگانان مدترانه از قرن چهاردهم، به دستور و یا با پول حکمرانان شهرهای ساحلی، برای خرید گندم به مناطق شمالی اروپا می‌رفتند. سپس در قرن هجدهم، بازرگانان در فیهو خانه‌های لندن جمع می‌شدند و اطلاعاتی را که درباره قیمت‌های گندم داشتند، با یکدیگر رد و بدل می‌کردند اما توسعه واقعی بازرگانی غلات از قرن نوزده آغاز شده و در قرن بیستم به اوج خود رسید. قرن بیستم در واقع قرن رشد سریع انحصارات و پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی است.

تعداد شرکت‌هایی که در زمینه خرید و فروش غلات در جهان فعالیت می‌کنند، بسیار است، اما به تصریح منابع تنها پنج شرکت بسیار بزرگ وجود دارند که تقریباً اکثر صادرات غلات را در اختیار دارند. نام‌های پنج شرکت چند ملیتی غلات به این قرار است:<sup>(۱۸)</sup>

(۱) شرکت کارگیل (۲) شرکت کشینانتال (۳) شرکت سوئیسی آندره (۴) شرکت فرانسوی لونی دریفوس (۵) و شرکت بانج.

این پنج شرکت غول‌آسا که اکنون بر بازرگانی غلات حکمفرمایی می‌کنند، در یک قرن پیش ایجاد شده‌اند و سابقه برخی از این شرکت‌ها، نظیر بانج به سال‌های ۱۸۵۰ نیز می‌رسد.

در قرن<sup>(۱۹)</sup> گذشته، شهرهای مهم اروپا و



حتی در آلمان غربی شرکت‌های مهم محلی نتوانستند از گسترش نفوذ شرکت‌های چندملیتی و به چنگ آوردن سهم بیش از پیش بزرگی از بازار، جلوگیری به عمل آورند.

کارتل‌ها برای نابودی بازار کشورهای جهان سوم و وابسته کردن آنها، از شیوه‌های مختلفی نظیر<sup>(۳۳)</sup> دامپینگ، بایکوت، خرابکاری، تقلب در مواد اولیه، کنترل وسایل تولید، استفاده از تشکیلات دولتی، ترور، رشوه، نفوذ سیاسی و قضایی و کنترل افکار عمومی استفاده می‌کنند و این عوامل تضمین‌کننده بقای آنها در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی است.

در مورد محصولات غذایی نظیر غلات، هدف اصلی شرکت‌های چندملیتی غلات، افزایش قیمت‌ها از طریق کاهش دادن موجودی تولید جهانی است. بدیهی است که کارتل‌های غلات به هیچ وجه راضی به کاهش تولیدات در حوزه‌های نفوذی خود در کشورهای صنعتی نیستند. در این مورد نظیر هر مورد دیگر، وظیفه کاهش تولیدات بر عهده کشورهای عقب‌نگهداشته محول می‌شود. کاهش تولیدات این کشورها، هدف مهم و اصلی دیگری را نیز دنبال می‌کند. کشورهای عقب‌نگهداشته شده که عمدتاً از نقطه‌نظر تولید غله در حد خودکفایی بودند، می‌بایستی اکنون با کاهش تولیدات خود به واردات مواد غذایی از کشورهای صنعتی متکی باشند. با اجرای این برنامه، کارتل به دو هدف اساسی دست می‌یابد.

(۱) تولید جهانی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب

با ایجاد کمبود مصنوعی از سقوط قیمت‌ها جلوگیری به عمل می‌آید.

(۲) با نابود کردن کشاورزی کشورهای جهان سوم و وابسته شدن آنان به مواد غذایی، چپاول و استثمار آنان در زمینه‌های مختلف آسان‌تر می‌شود.<sup>(۳۴)</sup>

## ۲-۲- واردکنندگان غلات در جهان

واردکنندگان غلات را همه گروه کشورها تشکیل می‌دهند. این کشورها به چهار گروه قابل تقسیم‌اند:

- (۱) کشورهای توسعه یافته به اضافه ژاپن
- (۲) کشورهای دارای اقتصاد سوسیالیستی به اضافه چین
- (۳) کشورهای در حال توسعه
- (۴) افریقا.

بنابراین، با مستثنی کردن معدود کشورهای صادرکننده غلات در جهان و کشورهایی که در زمینه غلات خودکفا هستند (یعنی نه واردکننده و نه صادرکننده‌اند) بقیه کشورها واردکننده غلات هستند. البته بایستی اشاره کرد که میزان وابستگی هر یک از این کشورها به واردات غلات با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه، کشوری نظیر چین، در تولید غلات نسبت به برخی دیگر از واردکنندگان غلات در وضع مساعدتری قرار دارد.

رفتار صادرکنندگان غلات در برابر مشتریان به تناسب قدرت مشتریان بستگی دارد و میان واردکنندگان غلات، سلسله مراتبی وجود دارد. در

ابتدا کشورهای صنعتی اروپا، ژاپن و کشورهای سوسیالیستی و در مرتبه دوم مشتریانی که غلات را نقداً خریداری می‌کنند. و آنها را به‌طور رسمی جزو کشورهای در حال توسعه می‌شمارند. این کشورها معمولاً دارای منابع ارزی قوی یا مواد اولیه مورد نیاز (نظیر نفت و اورانیوم) هستند و عبارتند از کشورهای عضو اوپک، مکزیک، کره جنوبی و به‌دنبال این کشورها، کشورهایی‌اند که از لحاظ استراتژیکی برای قدرت‌ها اهمیت دارند. کشورهایی نظیر مصر و اسرائیل به این دلیل می‌توانند مطمئناً نیازهای غذایی خود را دریافت کنند. سپس نوبت به کشورهای تهیدست کم‌اهمیت‌تر به‌خصوص کشورهای افریقایی می‌رسد که اگر در صادرات کاهش پدید آید، آنها هدف قرار خواهند گرفت و سرانجام در مرتبه آخر ممالکی قرار دارند که از نظر سیاسی مخالف با منافع امریکا شمرده می‌شوند.<sup>(۳۵)</sup>

تولیدات و واردات غلات نشان‌دهنده و شاخص خوبی در مورد کشاورزی کشورهای جهان سوم است. با استناد به آمارهای کشاورزی، کشورهای جهان سوم در طی سال ۱۹۷۵-۱۹۷۶ مجبور به وارد کردن ۴۶ میلیون تن غله بوده‌اند.<sup>(۳۶)</sup> و به گزارش سازمان خواروبار و کشاورزی (فائو)، واردات گندم و سایر غلات این دسته از کشورها در سال ۸۲-۱۹۸۱ به حدود ۹۷ تا ۹۰ میلیون تن افزایش یافته است و در جهان سوم، تولید غلات با نرخ سالانه یک درصد در سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ کاهش پیدا کرده است.<sup>(۳۷)</sup> پتابه برآوردهای مؤسسه تحقیقاتی سیاست جهانی مواد غذایی در شهر واشنگتن در سال ۱۹۸۵ برای کشورهای در حال توسعه، کمبود غذایی معادل ۹۵ تا ۱۰۰ میلیون تن بوده است.<sup>(۳۸)</sup> کشورهای در حال توسعه واردات خالص غلات خود را در خلال دو دهه گذشته، بیش از دو برابر کرده‌اند. حال آنکه در طی همین سال‌ها وابستگی جهان سوم به عرضه غلات به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.

## ۳- سازمان‌های بین‌المللی ارائه‌دهنده کمک‌های غذایی و نقش آنها در حل بحران مواد غذایی

سازمان‌ها و مؤسساتی که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم و عمدتاً زیر نظر سازمان ملل متحد در جهت رفع موانع گرسنگی فعالیت می‌کنند، به شرح ذیل‌اند:

(الف) سازمان غذا و کشاورزی جهانی وابسته





به سازمان ملل متحد (فائو). سابقه تأسیس این سازمان به سال ۱۹۴۳ بازمی‌گردد.

ب) گروه بانک‌های جهانی، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی IFAD: این بانک‌ها وام‌هایی به منظور توسعه کشاورزی به معنی اعم به کشورهای نیازمند متقاضی می‌دهند.

ج) سازمان جهانی هواشناسی WMO: از جمله مقاصد این سازمان، تسهیل همکاری بین‌المللی در زمینه تأسیس شبکه‌هایی از ایستگاه‌ها و مراکز تأمین خدمات و مشاهدات هواشناسی، کمک به ایجاد و حفظ سیستم‌های مبادله سریع اطلاعات جوی و استفاده بیش‌تر از هواشناسی در امر کشاورزی است.

د) صندوق کودکان سازمان ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی، صندوق سازمان ملل متحد برای فعالیت‌های مربوط به جمعیت<sup>(۲۹)</sup> روشن است بحران غذا به دلیل کمبود سازمان‌های بین‌المللی نیست، بلکه مسئله مهم این است که بسیاری از این سازمان‌ها چون سلاحی برنده علیه ملت‌های زجر دیده جهان به کار می‌روند و حتی اگر برنامه‌های ظاهرالصلاحی هم طراحی شود، قبل از آنکه به مرحله اجرا برسد، با مسایل بسیاری روبه‌رو می‌گردد.<sup>(۳۰)</sup> چنانکه اگر فرضاً قرار است به ویتنام کمک شود ابرقدرت غرب و اگر به کشوری متمایل به غرب کمک شود بلوک شرق مخالفت می‌کند. این کشورها حتی به مصوبات خود نیز عمل نمی‌کنند. چنانکه برنامه ذخیره‌سازی مواد غذایی برای مواقع اضطراری بین‌المللی را که در کنفرانس ۱۹۷۴ با حداقل ده میلیون تن در سال تصویب شد، اجرا نکردند.<sup>(۳۱)</sup> مؤسسه‌ای چندوجهی نظیر «بانک جهانی» به احتمال زیاد به این دلیل ترجیح می‌دهد مردم را

تغذیه کند که تنها یک گام با انقلاب فاصله دارند و تا این سازمان‌ها از سیاست‌بازی‌های شرق و غرب دور نشده‌اند، به کارایی آنها نمی‌توان امید داشت.

#### ۴- بررسی نحوه وابستگی کشورهای جهان سوم به واردات غلات

پاسخ به این سؤال که چه عاملی باعث شده است تا اغلب کشورهای جهان سوم که تا قبل از جنگ جهانی دوم از حیث تولید غلات خودکفا

برای صلح استفاده کردند، عملاً در زمره وابستگان و واردکنندگان مواد غذایی امریکا درآمدند.

به این ترتیب، شماری از کشورها از کمک گرفتن به تجارت روآورده، مشتری محصولات امریکا شدند. از این جمله می‌توان ژاپن، ایتالیا و اسپانیا را نام برد.

از آغاز برنامه غذا برای صلح در ۱۹۵۶، ژاپن کم‌تر از ۴۰۰ میلیون دلار کمک غذایی گرفت. اما تا سال ۱۹۷۵ بیش از ۲۰ میلیارد دلار غذا خریداری کرده و این یکی از بازده‌های «غذا برای صلح» است.<sup>(۳۲)</sup> در بسیاری از کشورها

● کارت‌ها برای نابودی بازار کشورهای جهان سوم و وابسته کردن آنها، از شیوه‌های مختلفی نظیر دامپینگ، بایکوت، خرابکاری، تقلب در مواد اولیه، کنترل وسایل تولید، استفاده از تشکیلات دولتی و... استفاده می‌کنند و این عوامل تضمین‌کننده بقای آنها در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی است.

● نگاهی به روند ارقام واردات غلات ایران حداقل، در دو دهه گذشته، بیانگر افزایش واردات ایران به مواد غذایی در طی سالیان گذشته است. این روند افزایش همچنان ادامه دارد.

وجود منابع اولیه و افزایش درآمدها باعث تشدید وابستگی غذایی شدند. مخصوصاً در سه کشور صادرکننده<sup>(۳۵)</sup> نفت مکزیک، نیجریه، الجزایر که تا ۱۹۶۰ از پیشرفت‌های کشاورزی آنان صحبت می‌شد. وجود نفت و حل مشکل تأمین ارز دولت‌ها، این کشورها را به وارد کردن مواد غذایی سوق داد.

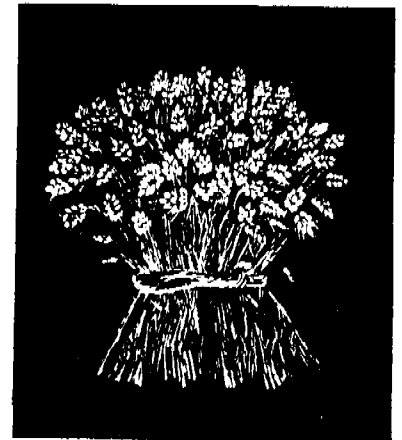
#### ۴-۱- روند وابستگی ایران به محصولات و مواد غذایی (غلات)

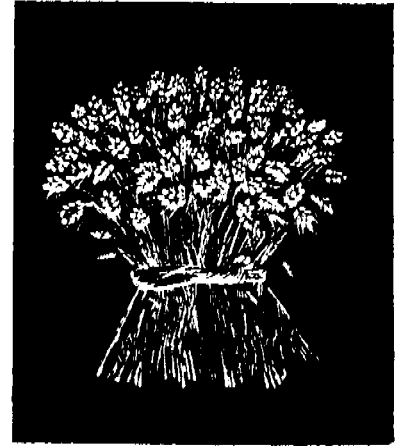
پس از جنگ جهانی دوم و تغییر شکل سیاست‌های استعماری از سوی استکبار، حضور امریکا نیز در صحنه امور سیاسی و اقتصادی ایران افزایش یافت. در این دوره تلاش‌های قدرت‌های استعماری همواره بر این بوده است تا در راستای تقسیم کار بین‌المللی، کشورهای جهان سوم را به عنوان واردکنندگان کالاهای ساخته شده و مواد غذایی درآورند. نمونه آن قانون عمومی غذا برای صلح یا قانون عمومی ۴۸۰ است که طی آن امریکا به کشورهای جهان

بودند، اکنون وابسته به واردات مواد غذایی از کشورهای دیگر شدند؟ نیاز به بررسی شیوه‌های استعمار جدید پس از جنگ جهانی دوم دارد.

یکی از شیوه‌های استعمار جدید، تقسیم کشاورزی در سطح جهان و تک‌محصولی کردن بسیاری از کشورهایی بود که با اقتصاد فلاحی می‌زیستند. سیستم فعلی تقسیم کار کشاورزی در سطح جهانی، به گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که نیروی کار ارزاقیمت و فقیر کشورهای جهان سوم را وامی‌دارد تا محصولات باب طبع کشورهای پیشرفته یا به اصطلاح محصولات تجاری را بکارند.<sup>(۳۳)</sup> این میراثی است که از دوران امپراتوری‌های استعمارگر اروپایی برای نسل حاضر باقی مانده است.

شیوه دیگر که می‌توان از آن به عنوان یک ابزار در جهت تشدید وابستگی نام برد، کمک‌های غذایی است برای نمونه قانون عمومی<sup>(۳۴)</sup> ۴۸۰ «یا غذا برای صلح» که در ۱۹۵۴ توسط کنگره امریکا به تصویب رسید و بهترین وسیله و ابزار برای رهایی از بلای «مازاد کشاورزی» در اختیار دولت امریکا گذارد. و بدین وسیله بسیاری از کشورهایایی که از کمک‌های به اصطلاح غذایی





سوم برای خرید محصولات کشاورزی و غلات و ام‌های طویل‌مدت می‌دهد و مواد غذایی را برای نابودی بنیه اقتصادی کشاورزی جهان سوم به بازارهای آنان سرازیر می‌کند.

ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. <sup>(۳۶)</sup> در دهه ۱۳۳۰ با اتکا به کمک‌های بلاعوض، وام‌ها و درآمد نفت، نقش کشاورزی و صنایع دستی به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی ارز به‌مدت تضعیف شد. اولین اقدام پس از کودتای ۱۳۳۲ اتخاذ سیاست درهای باز بود که سیل واردات را روانه کشور کرده <sup>(۳۷)</sup> واردات غذایی در ۱۳۴۳ از امریکا، معادل ۱۵ میلیون دلار و این رقم پس از ۱۰ سال به ۳۲۵ میلیون دلار رسید.

یکی از سیوه‌های استعماری که در تسدید وابستگی غذایی ایران نقش مهمی داشت، چنانکه اشاره شد، استفاده از قانون عمومی غذا برای صلح بود. این قانون در مورد خرید روغن سویا، برنج و گندم در ایران مورد استفاده قرار گرفت که در نتیجه واردات ارزان غلات و کالاهای غذایی، کشت این محصولات برای کشت‌کاران ایرانی صرفه اقتصادی نداشته، نهایتاً به رها کردن کار کشاورزی و مهاجرت به شهرها می‌انجامید. یا مورد دیگر <sup>(۳۸)</sup> استفاده از قانون مزبور هنگامی بود که گندم کانادا و استرالیا به ایران وارد می‌شد. و واشنگتن تصمیم گرفت برای در انحصار گرفتن این محصول، نظیر بقیه غلات، در مقابل دو کشور استرالیا و کانادا دست به حمله متقابل بزند. لذا مبلغ ۲۵ میلیون دلار به بانک عمران (که به بانک شاه معروف شده بود) برای خرید گندم از امریکا وام داده شد و از ۱۹۷۰ خرید گندم با استفاده از قانون عمومی ۴۸۰ آغاز شد.

مواد قرارداد مربوط به استفاده از اعتبارات قانون ۴۸۰ به وسیله ایران امکان می‌داد که

قسمتی از سودهای حاصله از فروش گندم و روغن سویا به ایران، در امور دیگری مانند دامداری و مرغداری - که موجب توسعه مصرف سایر فرآورده‌های کشاورزی امریکا می‌شد - به‌کار برده شود. در همین قرارداد به‌صراحت آمده بود که این اعتبارات و منابع مالی نباید هیچ‌گاه به مصرف کارها و فعالیت‌هایی برسند که بر اثر آنها صادرات ایران افزایش یابد. با توجه به مواد این قرارداد، مشاهده می‌کنیم که ایران قسمت مهمی از حاکمیت خود را در امور کشاورزی در برابر امریکا از دست داده بود. امریکاییان اجازه داشتند کلیه طرح‌های ایران را که منابع مالی آنها با درآمدهای حاصله از فروش فرآورده‌های وارداتی، در چهارچوب قانون ۴۸۰ تأمین می‌گردید، بررسی و آنها را قبول یا رد کنند. به اتکا، همین قرارداد، ایران قبول کرد که هفت نفر از کارشناسان امریکایی را در وزارت کشاورزی خود برای تدوین سیاست‌های کشاورزی در آینده بپذیرد <sup>(۳۹)</sup> و با توجه به افزایش درآمدهای ارزی ایران، از بابت صدور نفت خام، ایران می‌توانست بول همه غلات خریداری شده را پردازد و نظیر سه کشور نفت خیز مکزیک، نیجریه و الجزایر توانایی ارزی ایران نیز وسیله و ابزاری در جهت

وابستگی غذایی کشور شد.

نگاهی به روند ارقام واردات غلات ایران حداقل، در دو دهه گذشته، بیانگر افزایش واردات ایران به مواد غذایی در طی سالیان گذشته است. این روند افزایش همچنان ادامه دارد.

برای نمونه واردات غلات که در ۱۳۵۱ بیش از ۹۶۵ هزار تن <sup>(۴۰)</sup> بوده است، در ۱۳۵۶ تا حدود سه برابر افزایش می‌یابد و به رقمی بالغ <sup>(۴۱)</sup> بر ۲۶۶۰ هزار تن می‌رسد و این رقم، پس از انقلاب نیز سیر افزایشی خود را ادامه می‌دهد و در طی سال‌های ۶۱ و ۱۳۶۰ به حدود <sup>(۴۲)</sup> ۳، ۵۲۵ هزار تن می‌رسد. اگرچه سطح زیر کشت و میزان تولیدات غلات نیز با سیری آهسته در حال افزایش است، اما با توجه به نیاز و اهمیت این محصولات، بایستی به میزان تولید بیش‌تری دست یافت تا نیاز به واردات را کاهش دهد و با توجه به اینکه کشاورزی به‌عنوان محور توسعه اقتصادی در کشور مطرح شده است و همچنین ارتباط این بخش با بخش‌های دیگر اقتصاد کشور گریزناپذیر است، بایستی حرکت اصلاح بنیادی و افزایش کارایی و تجهیز منابع و امکانات کشور در جهت توسعه بخش کشاورزی تا حد خودکفایی ادامه یابد.



- ۱- بحران اقتصادی و اجتماعی در جهان. فیدل کاسترو- ترجمه نصیرزاده- امیرکبیر- ص ۲۸.
- ۲- مشکلات تولید غلات و تهیه پروتئین در جهان سوم (ایران) ص الف.
- ۳- جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به اقتصاد سیاسی- اولیاء- انتشارات تشیع- ص ۶۸.
- ۴- مجله زیتون- وزارت کشاورزی- شماره ۷۳- ص ۴۵.
- ۵- غول‌های غلات، دن مورگان - ترجمه جهاننگلو- ص ۱۸۸.
- ۶- جهت اطلاع بیشتر به کتاب بحران اقتصادی و اجتماعی- فیدل کاسترو- امیرکبیر- ص ۱۱۰ مراجعه شود.
- ۷- غول‌های غلات، ترجمه جهاننگلو، ص ۱.
- ۸- جهت اطلاع بیشتر به کتاب گندم، دکتر کریمی- مخترع- انتشارات دانشگاه تهران- ص ۲ و ۳ مراجعه شود.
- ۹- مجله زیتون- شماره ۷۳- وزارت کشاورزی- ص ۵.
- ۱۰- بحران غذا- اسعدی- ص ۲۳.
- ۱۱- غول‌های غلات- بخش ضمیمه- نوشته سوزان جرج- ص ۳۹۰.
- ۱۲- همان مأخذ- ص ۲۴۳.
- ۱۳- جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب سال چهارم اقتصاد (۱۳۶۳)- اقتصاد سیاسی- ص ۱۱۲.
- ۱۴- جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب بحران اقتصادی فیدل کاسترو- ترجمه نصیرزاده- ص ۱۱۳.
- ۱۵- جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به مأخذ قبلی- ص ۶۳.
- ۱۶- همان مأخذ- ص ۷۶.
- ۱۷- همان مأخذ- ص ۱۱۰.
- ۱۸- غول‌های غلات- ترجمه جهاننگلو- ۱۳۶۳- نشر نو- ص ۱۴.
- ۱۹- همان مأخذ- ص ۲.
- ۲۰- همان مأخذ- ص ۱۵.
- ۲۱- همان مأخذ- ص ۱۸.
- ۲۲- همان مأخذ- ص ۲۴۶.
- ۲۳- جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب دیکتاتوری کارتل‌ها- توسعه همایون الهی- انتشارات امیرکبیر- ۱۳۶۳.
- ۲۴- همان مأخذ- ص ۲۵۴.
- ۲۵- چگونگی نیمی دیگر می‌میرند- سوزان جرج- ترجمه ازکیا و حجاران- انتشارات کیهان ۱۳۶۳- ص ۴۰۴.
- ۲۶- مراجعه شود به کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم- ج ۲- مایکل تودارو- ترجمه فرهادی- ۱۳۶۶- ص ۷۸۰.
- ۲۷- به بحران اقتصادی و اجتماعی در جهان، فیدل کاسترو- ترجمه نصیرزاده- ص ۱۱۳ مراجعه شود.
- ۲۸- کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم- ج ۲۰- ص ۷۸۰.
- ۲۹- مراجعه شود به بحران غذا- اسعدی- ص ۴۶.
- ۳۰- همان مأخذ- ص ۲۱۵.
- ۳۱- مراجعه شود به چگونگی نیمی دیگر می‌میرند سوزان جرج- ترجمه ازکیا و حجاران- ص ۵.
- ۳۲- همان مأخذ- ص ۲۳.
- ۳۳- غول‌های غلات- دن مورگان- ترجمه جهاننگلو- نشر نو ۱۳۶۳- ص ۸۹.
- ۳۴- چگونگی نیمی دیگر می‌میرند- سوزان جرج- ص ۲۹۱.
- ۳۵- مراجعه شود به کتاب جهان سوم و شرایط رهایی از وابستگی غذایی- رنه‌لنوا- ترجمه نیک‌گهر- ص ۳۳.
- ۳۶- مراجعه شود به کتاب الگوی مصرف و ساخت اقتصادی، جهاد دانشگاهی اصفهان- ۱۳۶۶- ص ۴۴.
- ۳۷- غول‌های غلات- ترجمه جهاننگلو- نشر نو ۱۳۶۳- ص ۱۳۸.
- ۳۸- همان مأخذ- ص ۱۲۸.
- ۳۹- همان مأخذ- ص ۱۲۴. همچنین مراجعه شود به ترویج کشاورزی در ایران- گزارش فعالیت‌های سازمان ترویج در سال‌های ۸-۴۷- سازمان ترویج- ص ۲-۹.
- ۴۰- سالنامه آماری ۱۳۵۹- مرکز آمار ایران- ص ۲۷۸-۹.
- ۴۱- مراجعه شود به بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب- بانک مرکزی ایران- ص ۵۴.
- ۴۲- همان مأخذ- ص ۵۴.
- ۷- الگوی مصرف، ساخت اقتصادی- جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان- ۱۳۶۶.
- ۸- بحران غذا- دکتر اسعدی- ۱۳۶۴.
- ۹- گندم- دکتر کریمی- مخترع- انتشارات دانشگاه تهران- چاپ اول- ۱۳۶۶.
- ۱۰- مشکلات تولید غلات در جهان سوم (ایران)- دفتر طرح و مشاور نخست‌وزیر- ۱۳۶۴.
- ۱۱- مجلات زیتون- شماره‌های ۷۳-۴۵- وزارت کشاورزی.
- ۱۲- اقتصاد سیاسی- حسین اولیاء- انتشارات تشیع- ۱۳۵۸.
- ۱۳- اقتصاد سیاسی- سال چهارم دبیرستان- ۱۳۶۳.
- ۱۴- سالنامه آماری ۱۳۵۹- مرکز آمار ایران.
- ۱۵- گزارش بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

■ منابع و مأخذ:

- ۱- غول‌های غلات، دن مورگان- ترجمه امیرحسین جهاننگلو- نشر نو- ۱۳۶۳.
- ۲- بحران اقتصادی و اجتماعی در جهان- فیدل کاسترو- ترجمه غلامرضا نصیرزاده- امیرکبیر- ۱۳۶۳.
- ۳- چگونگی نیمی دیگر می‌میرند- سوزان جرج- ترجمه ازکیا و حجاران- انتشارات کیهان- ۱۳۶۳.
- ۴- جهان سوم و شرایط رهایی از وابستگی غذایی- رنه‌لنوا- ترجمه نیک‌گهر.
- ۵- توسعه اقتصادی در جهان سوم- مایکل تودارو- ترجمه فرجادی- برنامه و بودجه ج ۲- ۱۳۶۶.
- ۶- دیکتاتوری کارتل‌ها- همایون الهی- امیرکبیر- ۱۳۵۳.